

دیپلماسی چندوجهی به گونه مؤثرتری مورد استفاده قرار گیرد، طیف گسترده تری از اهداف راهبردی جمهوری اسلامی نیز تأمین خواهد شد. در عصر جدید، مهم ترین عامل قدرت ملی کشورها را «کیفیت دیپلماسی» در قالب «چندجانبه گرایی» تشکیل می دهد. کیفیت دیپلماسی همه عوامل مختلف تشکیل دهنده منافع ملی را با یکدیگر پیوند می دهد. براساس نگرش «هانس مورگنتا» دیپلماسی، هنر مرتبط ساختن عناصر «قدرت ملی» به مؤثرترین شکل برای تأمین «منافع ملی» است. دیپلماسی مغز متفکر قدرت ملی است. همان گونه که روحیه ملی روح آن است. اگر قدرت دیپلماتیک کشوری تضعیف شود، همه امتیازات ناشی از موقعیت جغرافیایی، خودکفایی، مواد خام، تولید صنعتی و آمادگی نظامی به کار ملت نخواهد آمد.

در این فرایند، شکل گیری هرگونه جنگ، اتحادیه، مانور دیپلماتیک و ظهور ایدئولوژی های رقیب را باید پیامد چگونگی رفتار کشورها دانست. به طور کلی دولت ها تنها در مقابل محیط خارجی واکنش نشان نمی دهند، بلکه اقدامات آن ها همچنین بیانگر نیازها، ارزش های اجتماعی و رویکرد رهبران سیاسی می باشد. براین اساس می توان سیاست بین الملل و سیاست خارجی را با توجه به اقدامات و رفتار متنوع بازیگران در روابط متقابل و برای نیل به اهداف راهبردی مرحله ای تحلیل کرد. چنین روندی بیانگر آن است که سطح تحلیل در سیاست بین الملل ارتباط مستقیمی با نیروهایی دارد که موضوع قدرت را شکل می دهد. چگونگی کنش دولت ها و تصمیمات آن ها را باید بخشی از رفتار چندجانبه گرا در حوزه سیاست خارجی دانست.

اگر ایران به کنش همکاری جویانه با طیف مختلفی از بازیگران بین الملل مبادرت می کند، باید آن را انعکاس رفتار بازیگرانی دانست که اهداف متفاوتی را در نظام جهانی پیگیری می کنند. کنش متقابل دولت ها در قالب جنگ، صلح، همکاری، تعارض، تنش زدایی، جنگ سرد و بحران را باید نشانه های مختلفی از رفتار در نظام بین الملل دانست. مدیریت هر یک از این فرایندها از طریق سازوکارهای متنوع چندجانبه گرایی امکان پذیر است.

هر یک از دولت ها در «جمهوری اسلامی» با وجود ابراز وفاداری به گفتمان سیاست خارجه انقلاب اسلامی و فصل دهم قانون اساسی، کوشیده است خوانش متفاوتی از این مبانی ارائه کند و به راهبردهای متمایزی دست یابد که با موقعیت و اهداف متناسب باشد. دولت سیزدهم نیز بر اساس چنین رویه ای به دنبال متوازن سازی سیاست خارجی مبتنی بر اصل «نه شرقی، نه غربی» است که از مهم ترین ملزومات این توازن طلبی توجه به چندجانبه گرایی و مخالفت با یک جانبه گرایی و تأکید بر رابطه با قدرت های «شرق و غرب» است. از نظر شما چگونه می شود ایدئولوژی «نه شرقی، نه غربی» و استراتژی «شرق و غرب» را با هم جمع کرد و در دام تضاد فرو نیفتاد؟

متوازن سازی سیاست خارجی هر کشوری تابعی از نیازها و ضرورت های موجود خواهد بود. در شرایطی که تهدیدات اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران به گونه متراکم شده از سوی ایالات متحده و شرکای منطقه ای آن کشور علیه ایران به انجام می رسد، طبیعی است که جمهوری اسلامی همانند هر کشور دیگری ناچار خواهد بود تا روندهای سیاست خارجی خود را بازتعریف نماید. به همان گونه ای که گفتمان ها در فضای اجتماعی بازتولید می شوند، روندهای سیاست خارجی نیز در عرصه ساختاری نظام بین الملل تعریف و تبیین می گردد.

در تفکر ساختاری جمهوری اسلامی ایران نشانه هایی از بی اعتمادی تاریخی نسبت به انگلیس و روسیه وجود داشته است. این رویکرد به تدریج تأثیر خود را در «سیاست نه شرقی و نه غربی» جمهوری اسلامی به جا گذاشت. اما وقتی که صحبت از چنین رویکردی به عمل می آید به مفهوم عدم ارتباط با سایر کشورها تلقی نمی شود. هر بازیگری به گونه ای اجتناب ناپذیر ناچار خواهد بود با کشورهای دیگر سطح متنوعی از روابط همکاری جویانه را در دستور کار قرار دهد. در غیر این صورت با نشانه هایی از چالش اقتصادی و امنیتی روبه رو خواهد شد. بهینه سازی جهت گیری «سیاست خارجی نه شرقی و نه غربی» در نگرش مقام معظم رهبری مبتنی بر